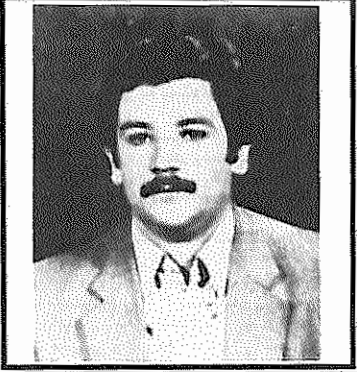


اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
بناسبت ۸ مارس روز جهانی زن
برای صلح، دموکراسی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه
متحد شویم
در صفحه ۶

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهادت فدایی خلق، رفیق علیرضا اکبری شاندریز عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان

هم میهنان گرامی!
رفیق علیرضا اکبری شاندریز، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما، در پی نزدیک به ۵ سال اسارت، در هفدهم اسفندماه ۱۳۶۵، به دست جنایتکاران حاکم، به شهادت رسید.

رفیق علیرضا اکبری (رفیق حواد) که در سال ۵۸ به عضویت در کمیته مرکزی ما زمان و در سال ۵۹ به عضویت در هیئت سیاسی کمیته مرکزی درآمد، در خرداد ماه سال ۱۳۶۱، بدست دژخیمان رژیم اسپرئوسید، رفیق در پی چهار سال و نندی مبارزه پرفرآ و زونشید در شکنجه‌گاه‌ها وین، با ساری افرانته و فلی سوشی از عشق به مردم و کینه نسبت به دشمنان خلق، در برابر جوخا عدا ما ایستاد. رفیق علیرضا اکبری را به خاطر خدمت به ما زمانش که نشانه وفاداریش به میهنش و خویشتن ما مردم زحمتکش ایران است، و به خاطر موضع و مبارزه‌اش علیه رژیم خمینی، به جوخا عدا ما سپردند. رفیق حواد دشمنان دادگماها را زمان و مردم است و با سازمان و مردم خواهد ماند. او و خانواده می‌دانست که با افساری را می‌گذرانند در پیش گرفته، او را قطعاً به جوخا عدا ما می‌راند، اما تصادفاً تردید نکرد. او پیش رفت و تا آنجا پیش رفت که رازش فاش نشد و به جوخا عدا ما سپرده شد. رفیق حواد دشمنان دادگماها می‌تواند روزهای تلخ و تاریک را پشت سر گذارد و مشعل امید به ادامه



بقیه در صفحه ۹

بیاد رفیق شهید، علیرضا اکبری شاندریز در صفحه ۲

است. گزیده‌های خمینی برای ایجاد جو وحشت و هراس در زندان، گروهی از مقام‌ترین زندانیان را با ردیگر به پیدا دگا برده اند و پیدا دگا هبای شروع در احکام دره برای آنها، تجدید نظر کرده است. در میان آنها، نام رفیق صمد اسلامی، که در قدیمی و مورد تجدید نظر قرار گرفته و در دورا اخیر حکامت به اعدا محکوم گردیده است. فشا رجمد و شکنجه‌های سنگین بر عده‌ای از زندانیان سیاسی براسا بقه، فزونی یافته است تا بقیه در صفحه ۹

بیاری زندانیان سیاسی بستنیم

زندانیان سیاسی، این فرزندان پاکیزه خلق، زیر شکنجه‌های سفاک به جلادان جمهوری اسلامی، با آرزوی استوار با بداری می‌کنند. اعتصاب غذاها و صبرازات دلبرانه آنها، طی یکسال اخیر، نشان داد که رژیم طاقتور نتوانسته است ایستادگی ایران را حیا ن با بداری درهای مردم را درهم شکنند. اینک جلادان رژیم ما زهم آغا ز دوره تازه از فشار و تضییقات، در صدد است تا با کسری از آنها سر آمده اند. براسا با اخباری که از سایر جلالهای رژیم به خارج در ز کرده است، حدود ۷۰ نفر از زندانیان سیاسی در خطر اعدا قرار گرفته و جانشان در خطر جدی

توطئه جدید جمهوری اسلامی و رژیم ترکیه

به گزارش خبرگزاری‌ها، در جریان سفر ولایتی، وزیر امور خارجه رژیم خمینی به ترکیه در اوکسبر، بهمن، نما بینگان در رژیم، رتجا عی ایران و ترکیه در استای سرکوب مشترک جنبش خلق کردوا اعمال فشا ریشتر به پنا هندگان سیاسی ایرانی مقیم ترکیه، به توافقهای تازه ای رسیدند. احداث خط لوله برای صور نفت ایران از طریق ترکیه و مراقبت مشترک از آن و نیز جلوگیری از فعالیت آرا منته ایران علیه رژیم ترکیه، از جمله موارد دیگر مورد توافق بوده است. ولایتی در بازگشت از این سفر، هیچ اشاره‌ای به توافق‌های تازه نکرد و به روش معمول سن جنایتکار بقیه در صفحه ۱۱

اجرای قطعنامه شماره ۵۹۸ خواست مردم ماست

روز دوشنبه پنجم ماه، رژیم خمینی با دست زدن به تهاجم تازه‌ای بنام "بیت المقدس ۲" یکبار دیگر کوشید بخت خود را برای شکستن بن بست جبهه‌ها بیازماید. نتیجه این حمله نیز سرخلاف جارجونجبال رژیم، شکست مفتضحانه دیگری بود که بر "تسواوای اسلام" وارد آمد. تنها نتیجه "بیت المقدس ۲" اجداد بی جان صدها تن دیگر از جوانان ایرانی بود که بر دشمنی و بیابانهای خون گرفته باقی ماند. پیش از آن نیز رژیم به حمله دیگری بنام "ظفر" دست زده بود که با ناکامی و شکست شوا مند، در کمال زحمات نا موفق در جبهه‌ها و کولوله‌ها را آنها و بیابانهای پراکنده شهرها و مراکز اقصا دی، جنگ نفت کشها پس از یک دوره آرا مشی موقتی مجددا شدت گرفت. طوسی ما گذشته دهها نفت کش بزرگ و کوچک توسط هوا بیما های عراقی و فایقهای جنگی جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفتند.

- * سوادگران بزرگ
- * یاور رژیم فقیها
- * بازجویی (۳)
- * جنبش کارگری در جهان عرب

بناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

- * مبارزه علیه تحمیل حجاب اسلامی
- * پروین، ستاره‌ای در آسمان ادب ایران
- * روایت نیم قرن رنج و یگار، پیام شادی در بر تو صلح

انتخابات فرمایشی رژیم را تحریم کنیم!

با نزدیک شدن ۱۹ فروردین، روز سرگزاری انتخابات مجلس سوم، جنگ قدرت میان دستجات، باندها و جناحهای هیات حاکمه، شدت با زهم بیشتر گرفته و درگیری‌ها به عرصه‌های متعدد و متنوعی گسترش یافته است. انتخابات در شرایط جنگ قدرت میان دوجناح اصلی حکومت، در ماندگی مطلق رژیم در جنگ با عراق، نفرت دم فزون مردم از حکومت آخوندی و بیسم از هم پاشیدن سیرا زها قطعاً دوهراس از "طنین فقر" سرگزاری می‌شود. وهما از این روست که سرد صدا را از رژیم، این انتخاب را حاسن شرمده و مقدمات کار را نیز با حسابیت تدارک دیده اند. گسترش جنگ سردا منه درگیری جناح‌های هیات حاکمه، در این دوره انتخابات، در مقابله با دوره‌های پیشین، با رزاست و این امر یکجوتکی تدارک انتخابات توسط جناح‌های رقیب، آشکارا تا نبرکده نشانه است.

پس از آنکه به اتکای حمایت خمینی، حزب جمهوری اسلامی متحل شد، جناح رسالت‌ها از اهرم مهمی محروم شد. اما این جناح با اراندن "سورای مرکزی اصافا با زار" به جلوی محنه و در بافت جوار فعالیت انتخاباتی برای "جامعه روحانیت مبارز تهران" و گرفتن تأیید خمینی در مشارکت روحانیون در امر انتخابات و لزوم "مشورت" بین "روحانیت مبارز" تهران و غیره است، به ما به لبردا خست. جناح "رسالت" پس از آنکه این امتیازات را در جریان ملاقات و مذاکره کنی با خمینی، به دست آورد و با اعلام اینکه، با "دفتر تحکیم وحدت" ائتلاف نخواهد کرد، نشان داد که آنقدر خود را بیرومنسند می‌بیند که خود را از ائتلاف با اینگونه دفترها بی‌نیاز می‌داند و هنوز از تسخیر مجلس سوم ناامید شده است. این جناح اعلام کرده است که نه تنها با جریانهای نظیر "دفتر تحکیم وحدت" ائتلاف نمی‌کند، بلکه همچنان در فکر ارسین بردن "خاکریز" بعد از مهیای انتخاب‌ها می‌است که به گفته یک نماینده مجلس، این خاکریز چیزی جز "دانشجویان مسلمان" و "دفتر تحکیم" نیست.

رسالت در عین حال آماده است که با کجاندن امثال رفسنجانی در لیبیت گانه پندای خسوسود، معا مله کند، آخوند خلیگالی که هرگز ای در ارضای شما بیلات جاه طلبانه‌اش، گوشه‌ها را از "سرا مرکز" را بر ملا می‌کند، نگرانی خود از احتمال جنبش جمع‌طلبی را، در حملات زیر بار زنا با داده است: "من از آقای خامنه‌ای آقای رفسنجانی که در راه روحانیت مبارز تهران قرار دارند، خواهش می‌کنم که جلسات سری نگیرند، بلکه جلساتشان علنی باشد، افکار معین باشد. در آینه‌ها اگر کارها دیدا می‌دهند، کارها دیدا می‌دهند، این عقیده آقای خامنه‌ای و آقای خامنه‌ای و آقای مهدوی کنی است و یک ساله محلی در کار رنبا شد" (کپهان ۲۴ دی). رسالت که از اینگونه فضولیهای خلیگالی دل پر خونی دارد و نمی‌خواهد زود دیده‌ای پشت پرده رویشود، از زبان نا طاق نوری تلاش برای معا مله را با استمالی می‌کند: "چرا جومها زید؟ چرا غوغا راه می‌اندازید؟ چرا در کار دیگران دخالت می‌کنید؟ چرا ایجا دا اختلاف می‌نما شد؟ ... اینک گفته می‌شود جلسات پنهانی تشکیل می‌دهند، خلاف است ... اینک گفته شده است که لیبیتی تهیه شده قطعاً خلیگالی است ... اینک گفته شده آقای کروی و ها شمی را با لای لیبیت گذاشته و بقیه را از افراد هیچ و هیچ بقیه در صفحه ۲

پیرامون قانون کار اسلامی (۲)

در صفحه ۴

خجسته باد ۸ مارس، روز جهانی زن

سوداگران مرگ

یاور رژیم فقهی

افشای ماجرای فبیخت بار " ایران کیت" که برده زما ملات وروایط پنهانی جمهوری اسلامی با هرتین محافل امیرالیسا مرکا برداشت و همچنین انسانی کوشه های دیگری از همین سوچ روایط یادیکرکشورهای امیرالیستی، نشان داد که چگونه رژیم جنایت بیسه خمینی، برای پیشبرد اهداف جنگ طلبانه خود، سالیانه سترنج زحمتگین میهن ما را به کیسه ارتجاعی ترین محافل سرما یسده آری امیرالیستی ریخته و به یکی از مسترین بیروسیا قرض کمیانی های اسلحه سازی بدل نده است . تنهایی جندها که زنده نشدند تا شنده کترکتیسی اسلحه سازی کشورهای امیرالیستی، با گنا دهدهستی سلاح موردنی رژیم جمهوری اسلامی را تا مین کرده و از این طریق میلیونها دلار به جیب زده اند . اسنادش نده نشان می دهدهنده کلیه کشورهای امیرالیستی علیرغم هی هوی تسلیم تینا ن مینتی بر تحریک صدور اسلحه به جمهوری اسلامی، هیچگاه صدور سلاح به رژیم ارتجاعی نکرده و بیوسسته دستیار تحریک کننده جمهوری اسلامی در شدا و جنگ خانما سوزا ایسران و عراق بوده است .

هنوز مدت زمان زیاد ای از فانی ما میسر ای " ایران کیت" نگذشته بود که معلوم شد اسرا ثیلی، این بداملاخ دشمن صیونسیت رژیم فقهی نیز علاوه بر اینکه بیشترین کیکها را در تحویل اسلحه ای امیرالی به رژیم فقهی نموده، خود نیز فنانا در نای مین سلاح موردنی رژیم شرکت داشته است . بطوریکه اسناد افشا شده نشان می دهند، همکاری پنهانی دولت صیونسیتی اسرا ثیل در نای زمینها زسسال ۵۹ وجود داشته است .

بنابراین گفته مقامات اسرا ثیلی، این کشور اسرا لیا ای ۵۹ به این سو، اسرا رکا ت نظا می امیرالی و اسرا ثیلی به ارزش ۳۵-۱۵۰ میلیون دلار، در اختیار رژیم صیونسیتی قرار داده و تنها در ماه ژوئیه ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) یک مفا طله پنهانی خرید اسلحه به ارزش ۱۳۶ میلیون دلار مین اسرا ثیل و واسطه هسیای جمهوری اسلامی صورت گرفته است

هنوز نیز به تحلیل ماجرای " ایران کیت" و رابطه پنهانی رژیم با اسرا ثیل ادا شده است که فاش شده کترکتیسی اسلحه سازی ارتیش و ایسا لیا نیز، طرف مفا طله پنهانی رژیم صیونسیتی بوده اند و رژیم جنگ طلب فقهی از دسترنج خلق ایران، بیسمل، رسوای این کترکتها را نیز جرب نموده است . تنها در مفا کما فادی که به اسرا ثیل مفا طله پنهانی اسلحه در تیش مفا کما می دهند، معلوم شده که فقط در سگ مورد مفا طله ۸۰۰ میلیون نیلیتک نصب سگ دلال ارتیش شده است . تخوود حدیث مفضل بخوان از این مجسمل .

در ادا مفا مین افشا گریب است که معلوم چه شود که جمهوری اسلامی منفورترین رژیم نژادپرست، یعنی آفریقای جنوبی را نیز بی نصیب نگذاشته و در قبال تحویل نفت، از این رژیم نژادپرست، سلاح

دلال های معروف اسلحه سیز در همین رابطه، بسیار غالب است . او در گفتگوبا خبرنگاری، چنین اظهار داشت : " اسلحه مثل هروشین نیست که پنهانی ساخته شود و قا قچیان آن را در لیفه تنبان خود مخفی کنند . قا قچ اسلحه بدون اطلاع و مساعدت دولت ما، امکان ندارد ."

مروری کوتا هیرفا کتیا ای متعددی که تا کنون در ارتباط با فروش اسلحه به رژیم صیونسیتی در مطبوعات جهان منتشر شده است، نشان می دهد که مشوق اصلی تداوم جنگ هستی براندا از ایران و عراق، کشورهای امیرالیستی و قبیل از همه ارتجاعی ترین محافل کشورهای امیرالیستی است . این موضوع در عین حال با نگرانی واقعیت نیز هست که امیرالیستی در میان زمینها امیرالیسیسم آمریکا، علیرغم برخی مخالف خواهانیش با رژیم فقهی، در وجود این رژیم قرون وسطا ای و آزادی کش، نیروئی قابل اتکا و قابل در مفا طله نیز نیروهای انقلابی و به ویژه کمونیست ها و نیز کشورهای ترقی خواه و انقلابی تشخیص داده و مهمتر از آن، ادا مفا ماجرا جوشی نظا می توسط رژیم صیونسیتی، با اسناد استراتژیک ارتجاعی ترین محافل امیرالیستی انطیقا داشته است . به همین دلیل نیز هست که اکثر کشورهای امیرالیستی در برابر پنهانی اسلحه به رژیم صیونسیتی، با همدیگر همکاری شان توجیح کرده و با نگرانی از مرز ختیا رهمدیگری گذاشتند . برای نمونه اسلحه های فزا نسوی از طریق سوئسو سلاحهای امیرالیکی از طریق دانمارک و اسرا ثیل به ایران حمل شده است .

صورت پنهانی اسلحه به ایران برای حقیقت نیز با ردیکر صدها شت که دروغ، جعل واقعیت و قریب افکار عمومی، مینا ای اصلی دیلماسی دولتها ای امیرالیستی است . افکار عمومی جهان متوجه شد که دولتها ای امیرالیستی با وجود تهدید جمهوری اسلامی به تحریک صدور اسلحه و با وجود صدور ای ظا هری از اسرا ل اسلحه به رژیم صیونسیتی، خود منشیع اصلی تا مین اسلحه ای موردنی رژیم برای ادا مفا جنگ بوده و از این طریق سوهای سرشاری نیز نصیب شان شده است .

فارت خلقها، تصاحب ثروتها ای طبیعی و ارزش های مادی و معنوی کشورهای نظیر کشور ما، اساس سیاست دولت های امیرالیستی و تشکیل می دهد . همچنانکه جنگ برای شخصی همچون خمینی، " نعمت" است، برای سوداگران مرگ نیز " نعمت" است . کشورهای امیرالیستی با تسلیح رژیم، به ادا مفا چندگانه خود تا حد میسیتی دست یافته اند، تا آن بدین ترتیب آتش جنگ ایران و عراق را شعله ورترنکنداشتند و توانستند اسرا ل بد منتج نگهدا شن اوقاع منقشه، نیروهای نظا می خود را در خلیج فارس مستقر سازند . در عین حال انحصارات میلیتاریستی، بدینوسیله با فروش اسلحه ای مرکیب زده اند . اسرا ثیل نیز علاوه بر بدیست آوردن دهها میلیون دلار، در سایه این جنگ خانما ن براندا ز، توانست جنایات بی بقه ای را علیه خلق فلسطین تا زمان دهدهوشی ببرد . جمهوری اسلامی به هر ترتیب دیگری عمل می کرد، نمی توانست تا این حد به ادا مفا استراتژیک امیرالیسیسم مرکا در منطقه، با ری رساند .

دریافت کرده است . تا این اواخر ظا هرا دولت فرانسه از اینس با چرا برکنار مانده بود، ولی انشنا رگسزارش بحرامه وزارت دفاع این کشور، از آن نیز برده برداشت و روین شده که این کشور نیز از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ توسط " موسولوش" صد میلیون دلار جنگ افزار به جمهوری اسلامی فروخته است . در آژانس اسسال جاری روزنامه " لوماس" فرانسوی فاش ساخت که یک شرکت دولتی فرانس ۸۰۰ تن باروت و ۲۵۰ تن مواد انفجاری نیرومند تر به جمهوری اسلامی تحویل داده است . البته با بدیهه با دنا شت که قبلا نیز مدورقا دیرزادی کلونه و تسووب و خب فرانسوی به جمهوری اسلامی، افشا شده بود . در ماجرای " ایرا ریکتی" فرانسوی بود که دریا سالار " پی رلا کویت"، رئیس سازمان اطلاعات فرانسه، فاش ساخت که دولت هستی مبارک نیز در فنانا لیسای ۱۹۸۴-۱۹۸۶ میلیون ها دلار اسلحه فرانسوی را به رژیم صیونسیتی فروخته است . فرانسوا میران، رئیس جمهور فرانسه نیز مین تا شیدختن دریا سالار مذکور افزود که از جریان اسرا ل مخفیا نه سلاح به جمهوری اسلامی با خبر بوده است .

با انشنا در ایران کیت فرانسوی، سار ریوی تحویل اسلحه از سوی کشورهای امیرالیستی به رژیم خورآنا خمینی تکمیل شد و معلوم کرد که بدهده جمهوری اسلامی برای ادا مفا جنگ و تسنج قزاقان حمایت پنهانی ارتجاع و بینا لمللی بر خوردا ری بوده است . البته دولتها ای کشورهای امیرالیستی برای قریب افکار عمومی جهان و مردم کشور خود، سعی می د رند فروش پنهانی اسلحه به رژیم صیونسیتی را امری مربوط به قا قچیان اسلحه قلمدا دکرده و خود را ختیره نگیند . به این منظور آنان حتی تعدد ادا از جیره های سوخته خود را نیز تریبا ن کرده اند . در امریکا سرهنگ " نورت" و دیگران به هدنای افشای ماجرای " ایران کیت" بست خوردا ر دست دادند . در تریش تعداد از کارا ریکت رسده و سه دهه دگا کما نده شده اند و در فرانسه نیز فرانسوا میران رئیس جمهور ایس کشور، از خود سلب مسؤلیت کرده و در مورد کتوت ۱۸ ماهه خود در رابطه با فروش پنهانی اسلحه به فرانسوی به واسطه های جمهوری اسلامی، گفت : " انجام این امور رسیدگی به ساد مده خود را قا قچ اسلحه به جمهوری اسلامی، می تواند بدست نیاید . این جریان با بد از طریق ۴۰ تا ۵۰ کارمند ارشدا طلاعا تری و وزارت خا رجه پنهانی مرفت ."

اما علیرغم این عوام جریبها، به زودی روین نده که مرسدور پنهانی اسلحه به ایران در امریکا توسط شخص ریکان و در دیکر کشورها، تحت هدایت مقامات بنفندا به دولتی جورت می کترکت است . اسحق نامیر، نخست وزیر اسرا ثیل در نای با و صرا جتا گفت : " ادا مفا فروش پنهانی اسلحه جنگ ایزر اسرا ثیل جمهوری اسلامی، مورد تا شید و تصویب کما بشما اسرا ثیل قرار گرفته و ما همه معتقدیم که سیا ستها ای " تیل و سو" در این مورد بی نقض و صحیح بوده است . وی در همین مفا حیه صرا حتا اعتراف نمود که اسرا ثیل صدور اسلحه را با مشارکت امریکا به انجام رسانده است . او از جمله چنین گفت : " ما عمل اسرا ل اسلحه به جمهوری اسلامی را با سنا رکت امریکا به نحسما رسانیده ایم و هیچ دیلماسی در دست ندریم که از انجام این عمل بنا ساف و بیسما ن با شیم" . سخنان یکی از

برده ، با پیش کشیدن شروط تحلیلی می گوید خدا قبل بختی از اهداف اتجاعی خود را که نتوانستند از طریق نظا می متحقق سازد، از طریق مذا کرات سیاسی به دست آورد . ما سوهای رژیم صیونسیتی مزورانه آن در مفا های اخیر نشان داده است که جمهوری اسلامی به حفظ وضع موجود تا پیدا کردن راه مسی برای رها شن آبرومندانها ر جنگ ، بی علاقه نیست . جمهوری اسلامی علیرغم ناکامیهای بی در پی نظا می هنوز زبسیج نیرو و ادا مفا ماجرا جوشی های نظا می دست نگشیده است .

هر چند آخوندهای حاکم از ادا مفا جنگ نتواننده و فنانا ر کمر شکن آن را هر روز بیشتر می کنند، اما هنوز از پذیرش صلح خودداری میکنند و تسلیم صلح طلبی مردم نشده اند . با بدیا گسترش مبارزه علیه جنگ ، امتناع از حضور در جبهه و پرداخت کمک مالی، و اعتراض و مبارزه همگانی علیه جنگ ، سران رژیم را به زانور آورد . اکنون تحولات جنگ به نظر همه حاسی رسیده است . رژیم اکنون نه تنها در ایران، بلکه در سرانجام آماج خدمت و اعتراض نیروهای صلح دوست قرار داد . تحریک صلح طلبان را با بدی با شعا رضع بی رنگ و بی فیدو شرط جنگ و اجاری فوری قطعا نه ۵۹۸ شورای امنیت، در همه جا گسترش داد .

از ادا مفا فتن جنگ ، تلاش می کنند که یک نا و کسان دریا ش مشترک با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و با شرکت ممبرا شکل دهد و این کشورها را بیشتر از پیش به همگاری و شرکت در نقشه های ماجرا جویانه خود جلب کند . اکنون ۳۰ کشتی جنگی امریکایی در منطقه حضور دارند که تهدید دائمی علیه امنیت منطقه و خلقها ای این کشورها، سنا ر می روند .

در سران برسیات نشدنت سوختها و زکارانه امریکا، سیا ست صلح جویانه نجا دشواری و هم بیسما تا نسس قرار داد ، اتحاد دشواری بیگیرانه ، از خسار روج نا و کانه ای دریا می مرکا و کشورهای دیکر عربی و جا بگزینی آریا با یک نا و کان بینا لمللی زیر نظر سازمان ملل متحد، جان نیداری می کند . امریکا به شدت با اجرای این پیشنها دکه به معنای اسراج نا و کان نجا وزان از خلیج فارس است ، مخالف است . موضع اتحاد دشواری ، اجرای فوری آتش بس و قطع جنگ از طریق اجرای بلا درنگ قطعا مده ۵۹۸ شورای امنیت است . اتحاد دشواری در جریان با زدیدا خیزورای امورا رجه عراق و عربستان سعودی از این کشور، با ردیکر ای موضع را که یگان راه برقرار ای صلح در شرایط فعلی است ، مورد تا کید قرار داد . در نیمه دوم دیسماه نیز آتدرو و میگو صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جما هیر شوروی، در ملاقات با سفیر ایران ، در مسکو، همین موضوع را اعلام داشت و گفت که در صورت امتناع رژیم صیونسیتی از پذیرش قطعا مفا زمان ملل، تدا بیری ما نشدنت تحریم تسلیحاتی با بد مده متوجه جری ترفسار ر بگیرد .

اما رژیم صیونسیتی در برابر اجرای قطعا مفا ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مقا و مست می کند و شما می تلاشای صلح طلبان را عقیم گذاشته است . جمهوری اسلامی ضمن ادا مفا مذا کرات پشت

**زنده باد صلح ،
زنده باد آزادی ،
مرگ بر خمینی**

پیرامون قانون کار اسلامی (۲)

فتوای خمینی در رابطه با قانون کار اسلامی، به مثابه مهمترین پشتوانه شرعی این قانون، در آنجا که بیان می‌کند شورای کارگری بر سر مفاد آن را تا حدی محدود کرده و شورای نگهبان، البته همانطور که انتظار می‌رفت، برای مثلثه کردن همین مصوبه نیم‌بند نیز قسمت‌هایی از آن را "منابرها قانون اساسی جمهوری اسلامی" دانست، اما در میزگردی که مسئولین مختلف از نمایندگان این نهادها در تهران برگزار شد، در ۳۰ آذر ۱۳۶۵، جهت بررسی حقوقی این قانون تشکیل دادند، نظایر می‌دادند، "با همکاری مجلس، شورای نگهبان و دولت، با توجه به فتوای رهبر مسیّر عالیقدر... قانون کار تصویب شده و به مرحله اجرا درآید."

افتخار جمهوری، عضو شورای نگهبان در این میزگرد، به موادی از قانون کار که از نظر شورای نگهبان منافی با قانون اساسی تلقی شده، اشاره کرد و این موا را به سه دسته تقسیم کرد:

بر اساس اظهارات جمهوری، بخشی از حقوق منافی - رفاهی پذیرفته شده در قانون درباره مرخصی‌ها، زمان کار، تعیین حداقل دستمزد، ممنوعیت کار کودکان، کمتر از ۱۵ سال، بهداشت محیط کار و...، توسط شورای نگهبان زیر سؤال رفت.

نکته قابل توجه در این بخشها، این است که شورای نگهبان ارتجاع، علیرغم میزبانان چندساله طبقه کارگران، زمانی فزاینده مردم و بهرغم بحران کنونی رژیم پویا، تمنا در روز افزون توده‌ها نسبت به حاکمیت، همچنان خواب تحمیل احکام متحجره چون "باب اجاره" را می‌بیند و مذبح‌ها نمی‌کوشد همین قانون کار اسلامی عقب مانده و نیم‌بند را نیز به سربری بال و دم و اشکمی بدل کند.

اما آنچه که در این گیرودار، درخور توجه است، این است که رژیم می‌کوشد با استفاده از این وضعیت، یعنی مطرح شدن اشکالاتی که از او پدید می‌آید، ارتجاعی (از طرف شورای نگهبان) به قانون کار اسلامی وارد می‌شود، نقضی را ایجاد کند که توده‌ها کارگران ناگزیر شوند، زمین را بدو بدهند، بدرا انتخاب کنند پس از فتوای خمینی در جواب به سرحدی زاده، در مطبوعات، طرفداران جناح دولت، به ویژه در هفته نامه "کار و کارگر" (نشریه خانه کارگر)، پیام‌های تیریک آمیز سیاسی را از جانب کارگران، خطاب به سرحدی زاده، با این مخمون انتشار یافته است که: "ما ضمن سپاس از استفسار به جناب عالی در شرایطی که قانون کار در دست بررسی شورای محترم نگهبان است، و جواب به حضرت امام که موجب تشنوی کارگران را فراهم آورده، جماعت همه‌جا نینه خود را، از این حرکت انقلابی اعلام می‌کنیم." شش ماهی رژیم آن است که این کتاکن چنان پیش بردند و با نادیده گرفتن، در صورت تمکین ششورای نگهبان و تصویب نهایی آن، نه تنها مورد انتقاد و چون و چرا ی طبقه کارگر قرار نگرفت، بلکه بر عکس به مثابه عطیة ای بزرگ و دستاوردی انقلابی پذیرفته و تحلیل شود.

مساله مهم در این کارزار حقوقی و سیاسی این است که با بدشرباطی را بوجود آورده که توده کارگران خود را تنها در برابر یکی از این دو شق بینند، بلکه بتوانند حقوق و منافع طبقاتی خود را علیرغم این شقوق، به روشنی تشخیص داده و تعقیب کنند. آنچه کارگری نگهبان گفته می‌گوید، پیش از این در آئین هیئت نویسی توکلی منعکس شده و این طبقه کارگری ما بخوبی می‌داند و در هر روشنگر و لایحه آن را می‌شناسد و توضیح می‌کند. اما سرخورد ما آنچه که در قانون کار اسلامی مصوب مجلس انعکاس یافته است، نیا زنده بررسی انتقادی و مشخصی است. نخست، مبانی و محورهای اصلی این قانون را بررسی و نقد می‌کنیم:

۱- ممنوعیت بهره‌کشی از دیگگری: ما در ششمین قانون با استناد به قانون اساسی، ممنوعیت بهره‌کشی از دیگگری را در قانون اساسی و مناسبات حقوقی مطروحه در این قانون قرار داده است. این حزبک عوام‌فریبی گستاخانه و آشکار، معنای نادره، ابعا دگسترده است. مستمسک و غارت‌دسترخ مجرمانه در جامعه ما به‌داری ایران، به‌ویژه در شرایط کنونی (شرایط بحران اقتصادی و جنگ) بر هیچ کارگر و محترمی پوشیده نیست. مضافاً اینکه محترمی بودن حریص مالگیز است خصوصی در اسلام، اساساً امکان ممنوعیت و نفی بهره‌کشی انسان از انسان را منتفی می‌کند. لذا بهره‌کشی و ناگدیریک چنین حقوق و مناسباتی، تنها یک لفاظی ریاکارانه است.

تدوین قانون کار مبتنی بر تفکیک بهره‌کشی انسان از انسان، مربوط به جوامع سوسیالیستی است. نه حتی دموکرات‌ترین جوامع بورژوازیستی. قانون کار اسلامی، مصوب مجلس، همانند قانون کار زمان شاه، هنوز از آنجه که طبقه کارگران در این شرایط معین مطالبه می‌کند، یعنی تدوین و اجرای یک قانون کار مترقی و دموکراتیک، فرسنگها

عقب است، چو رسیده آنکه نه تنها بهره‌کشی را نه تنها عملی کند، بلکه حق کار و امنیت شغلی:

در زمینه حق کار و امنیت شغلی، سرخورد قانون کار اسلامی، مصوب مجلس، از قانون کار رژیم گذشته، به مراتب ارتجاعی تر است. نقض حق کار و امنیت شغلی در این قانون، در کنار نقض حق ایجاب دستکسل منافی مستقل کارگران، از سبب سه فصول آن می‌باشد. اگر ماده ۳۳ قانون کار سابق، کارفرما را به دادن اختیار کنونی قبل از اخراج و برودا حت حق سنوات به مناسبت اخراج مقید می‌کرد، ماده ۲۷ قانون کار اسلامی، بدون هیچ قید و بند و هیچ تشریفات (حتی بدون پرداخت غرامت اخراج)، دست کارفرما را در اخراج کارگران با زکذا شده است. به این ترتیب، تنها حق اشتغال برای همه کسانی که درین اشتغال و آما ده کار هستند، به رسمیت شناخته شده و از تضمین حق کار رختی برفته، بلکه حق ایجاب شغلی کارگران، به خشن ترین شکل ممکنه با منال شده است.

مجلس شورای اسلامی با تصویب ماده ۲۷ نشان داد که در خدمتکاری به سرمایه داران سرمایه‌داری نمی‌نهد، تا حدی که حتی پرداخت حق سنوات کارگر اخراجی را نیز ممنوع کرده است. کارفرما می‌تواند کارگر پس از ایلها بهره‌کشی، تنها به نیت "تقصیر" او، بدون پرداخت حتی یک ریال، اخراج کند. طبق ماده ۲۴ این قانون، تنها در برابر "خاتمه قرارداد" کار، پرداخت مبلغی معادل دو ماهه حقوق سالانه (با توجه به سنوات کار) اجاره شده، اما در مورد "فسخ قرارداد کار" (اخراج)، هیچ مبلغی به کارگر تسلی نمی‌گیرد. به این لحاظ ماده ۲۷ قانون کار اسلامی، از ماده ۳۳ قانون کار زمان شاه بسیار ارتجاعی تر است.

اخراج کارگر از یک واحد، تنها در صورت تا شدت مشکل منافی مستقل کارگر، مجاز است، در صورتیکه کارگر همچنان معترض باشد، باید امکان مراجعه و به مراجع حل اختلاف پیش بینی شود. در تدوین ضوابط و آئین نامه‌های انضباطی و احدا و نظارت بر اجرای آن نیز باید نمایندگان واقعی کارگران سهمیابند.

۲- حق ایجاب دستکسل منافی مستقل: ما در درین تئوسیس‌ها و لواحق قبلی قانون کار قانون شوراها، اسلامی کار، به ارتجاعی کارگران در برابر خود را از شکل‌های منافی مستقل نیز باطل کرده است. مساجت و احرا رژیم در نقض این حق اساسی، بی‌حجت نیست. او "تورکنان آینده خود را" در مقابل صفوه کارگران می‌بیند. لذا به هر نحو که بتوانند می‌کوشند تا این کارگی مقبوض آن را به نفع ایجاب دستکسل منافی مستقل شغلی کارگران، تنها راه مشکل را به زرد و قرمائی بدل کند. مضافاً اینکه در قانون حاضر، مدارک وسیعی برای ایجاب دستکسل در ذهن کارگران و تفرقه در صفوف کارگران به عمل آمده است. به موارد مشخص تر این مساله بپردازیم:

الف - ماده ۱۳۹، روشن ترین نمونه نقض استقلال شکل‌های منافی کارگری و دخالت دولت در امور آنهاست. این ماده، تدوین و تصویب آئین نامه انتخاب و اسامی نه تکلیات مرکز سرب کارگران را بر عهده وزارت کشور، وزارت کشاور و شورا عالی کار قرار داده است. همچنین به سبب تصوره ماده ۱۳۴ و بندب نمره ماده ۱۳۵، نهی به آئین نامه انتخابات اتحادیه‌های امکان (اتحادیه‌ها و انجمن‌های مسکن و اسکان) اتحادیه‌ها و انجمن‌های صرف کارگران را بر عهده وزارت کار و صنایع و معادن و بر عهده شورا عالی کار قرار داده است. حال آنکه حق تدوین و تصویب اسامی نه منافی اولی، آئین نامه انتخاباتی شکل‌های منافی کارگری (انجمن‌ها و انجمن‌های منافی منافی) است. این امر، نه تنها شوری کار را به نفع سندیکا منافی، از قبیل انجمن‌های منافی، به شکل سراسری (کشوری) فقط و فقط با خود کارگران است، که از طریق هیات‌های موسس و مجمع عمومی کارگران، روند تدوین و تصویب آئین منافی منافی منافی این شکل‌ها، تنها نیست، بلکه اساساً ایجاب دهن، در وزارت کار ثبت می‌شود.

ب - رژیم به دخالت خود را در امور شکل‌های منافی کارگران اکتفا نکرد و تفرقه افکنی در میان صفوف کارگران را که معمولاً سبب تنها سبب سرمایه‌داران است، صورت قانونی داده و به سیاست رسمی بدل کرده است. در این قانون، شکل منافی کارگری (بجز تنها انجمن‌ها و انجمن‌های منافی منافی منافی) است. شورای اسلامی کار، انجمن منافی، و نماینده کارگران، رژیم سرمایه‌داری کار و ایجاب دستکسل در ذهن کارگران می‌گذارد و ایجاب دهن در این شکل‌ها، مربوط به بخش معینی از کارگران است. مثلاً، شوراها، اسلامی کار را عمدتاً برای واحدهای صنعتی و خدماتی متوسط و بزرگ (با لاتراز ۳۵ نفر)، مطرح می‌کند. همچنین منافی را ظاهر برای "کارگران یک حرفه یا صنعت" و علابرای کارگران واحدهای کارگاهی و به طور کلی صنوف. نماینده کارگران هم‌بصرای

واحدهای منافی که کارموند دارند و احیاناً کارگران، ساختار منافی و نظایر آن. برای شورای اسلامی کار، اصل ۱۰۴ قانون اساسی منافی قرار گرفته و بر اساس انجمن منافی، اصل ۳۶، حال آنکه هر دو آنها قطع نظر از بزرگی و کوچکی واحدها، حقوق و وظایف مشابهی دارند. مضمون اصل ۱۰۴، بحق قانونی است که شکل‌های منافی کارگری دارند. قانون نویسان رژیم نمی‌فهمند که حق منافی کار در برنا مریز و اداره تولید، از مضر حقوق سندیکا می‌کارگران است، اما این با آن بخش از وظایف و حقوق سندیکا می‌باشد، به این علت که مساله منافی کار در اداره مریز و اداره واحدهای کوچک موضوعیت ندارد، تا مشکل عسوف شود. اگر قانون نویسان رژیم ریگی به نقض شدتند و با احیاناً خود را توجیه و غشائی فکری نهند، می‌توانستند با استناد به اصل ۲۶ قانون اساسی، ایجاب دهن منافی در همه واحدها، با عدم از کوچک و بزرگ، تولیدی یا خدماتی، دولتی یا خصوصی، را تصریح کنند. آنها می‌بایست این نکته را درک می‌کردند که حتی در جایجوب حقوق مصر حد در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز، نقطه زیرمیت قانون کار برای شکل‌های منافی و کارگری می‌بایست اصل ۲۶ باشد. اصل ۱۰۴، با این تاکید که موضوع اصل ۱۰۴ در زمینه اصل ۲۶ و با تکیه بر آن در قانون کار منعکس شود، نهاد آنکه این دو اصل به منافی به هم می‌بایست و در شکل (یکی شورای اسلامی کار و دیگری انجمن منافی) در قانون کار مورد استناد قرار گیرند.

با توجه به آنکه جهت گفتیم، قانون کار می‌بایست در صورت تفریق از غشائی آفرینی - تنها یک شکل، مثلاً انجمن‌های منافی را برای انواع واحدها به رسمیت بشناسد، قانون شوراها، اسلامی کار منافی خود حق مشارکت در برنا مریز و اداره تولید سندیکا می‌کارگران، به عنوان جزئی از حقوق منافی انجمن‌های منافی، در قانون کار تصریح گردد.

ج - ماده ۱۳۲ قانون کار مصوب مجلس، انجمن‌های اسلامی را نیز جزء شکل‌های کارگری شمرده است. این همگی دیگر از تفرقه‌های رژیم برای مشروعیت بخشیدن به این ارگان پلیسی و فذکارگری است. انجمن اسلامی، اساساً شکل منافی - سیاسی کارگری محسوب نمی‌شود، بلکه یک ارگان ایدئولوژیک سیاسی و وابسته به رژیم است، ارگانی که نقش پلیسی و اطلاعاتی در محیط کار دارد. گنجانیدن انجمن‌های اسلامی در فصل مربوط به شکل‌های کارگری، اهانته آشکار به کارگران میهن‌ماست. کارگران، خواستار انحلال اینس لانه‌های جاسوسی هستند، نه رسمیت و تثبیت قانونی آنها.

د - حق اعتصاب: یکی دیگر از جلوه‌های فذدموکراتیک بودن قانون کار مصوب مجلس، نوع برخورد آن با آزادی‌های سندیکا می‌باشد. حق اعتصاب است. حق اعتصاب، یکی از حقوق اساسی کارگران است. برخوردی که کارگران از حق اعتصاب، در کنار سایر حقوق خود، دموکراتیک و آزادی‌های سندیکا می‌آزوبیل حق برخورداری از مطبوعات، نشریات و تشریفات منافی مستقل، به کارگران امکان می‌دهد تا در صورت پایمال شدن حقوق منافی، از جانب کارفرمایان و سرمایه‌داران، قانوناً به اعتصاب مشمول شوند و بدون هراس از دخالت نیروهای سرکوب دولتی و یا انتقا مجوسی بعدی آنها، از حقوق خود دفاع کنند. در یک قانون نسون کار مترقی و دموکراتیک باید تصریح شود که کارگران‌ها می‌توانند به صورت جمعی از اعتصاب منافی (عمارتنیه، اخسراج، با زداشت و...) را ندرند و تا حقوق کارگران در مدت اعتصاب با بیده آنها پرداخت شود.

در قانون کار اسلامی، بجای حق اعتصاب کارگران، حق دولت در سرکوب اعتصاب، به رسمیت شناخته شده است. ماده ۱۴۷ که دنباله منطقی ماده ۱۴۳ است، می‌گوید: "در صورت لزوم، واحد محل کار می‌تواند اقدام از کسب نظر مساعدا دگا کارفرما می‌کند. اختلاف ادعا، در مورد منظور لوگویی از تعطیل کارگاه و تعطیل تولیدات و حفظ مصالح عمومی، به هر نحوی که مقتضی باشد، کارگاه را به حساب کارفرما اداره نماید." در این ماده معنای صریح و روشن سرکوب کارگران معترض به نیت "حفظ مصالح عمومی" است. آنچه به نحوی که مقتضی باشد، در قالب اصطلاح "حفظ مصالح عمومی" از آن قبیل اصطلاحات مورد علاقه سرمایه‌داران است که غالباً برای بیان حقوقی منافع آنان به کار می‌رود و زیر پوشش آن، حقوق کارگران را زحمتکشان با پایمال و مبارزات قلبیانه آنان سرکوب می‌شود.

آنچه که سرخوردیم، از مهمترین موارد حقوقی با پایمال شده کارگران در این قانون بود. در شماره آینده، ضمن بررسی دیگر موارد قابل ذکر اینس قانون، وظایف مشخص قانون پیروی کارگری را نیز بررسی می‌کنیم.

جنبش کارگری در جهان عرب

طی دینا و گفتگویی که چند روز پیش بین یکی از رفقای رهبری سازمان ما و دو تن از مسئولین شورای مرکزی اتحادیه‌سراسری کارگران کشورهای عربی صورت گرفت، مسایل مربوط به تحولات جنبش کارگری در منطقه مورد بحث قرار گرفت.

آنچه می‌خواهیم بگویم این است که تحولات و تحولات جنبش کارگری در جهان عرب را می‌توانیم با اطلاعات و تجارب ارزشمندی از مبارزات سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری کشورهای عربی است. "کار" جهت آگاهی و اطلاع بیشتر و فعالین کارگری میهن ما از وضعیت جنبش سندیکایی و اتحادیه‌های کارگری در کشورهای عربی منطقه، اقدام به درج آن می‌کند.

اتحادیه‌سراسری کارگران کشورهای عربی

یک کارکن سندیکایی منطقه‌ای (منطقه عربی) است که در برگیرنده اتحادیه‌های کارگری کشورهای عرب است. اتحادیه‌سراسری یکی از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین منطقه‌ای عضو فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری است، که معتقدترین و پرفرودترین فدراسیون سندیکایی محسوب می‌شود.

در اتحادیه‌سراسری کارگران کشورهای عربی هم اکنون دورچین عمده وجود دارد، رهبری یک جریان با حکومت عراق است. به این معنا که حکومت عراق از طریق اتحادیه کارگری حکومتی آن کشور، برای خود یک بلوک بندی در راجع اتحادیه‌سراسری ایجاد کرده است. جریان دیگر، اتحادیه‌های کارگری کشورهای سوریه، یمن، دموکراتیک، لبنان، لیبی و الجزایر هستند که تعداد دیگری از اتحادیه‌ها را به گرد خود جمع کرده اند.

طی سال گذشته، عراقی‌ها موفق شدند که دامنه نفوذ خود را در اتحادیه کارگران کشورهای عربی گسترش دهند و تعداد دیگری از اتحادیه‌ها را به سمت خود متمایل کنند. اتحادیه‌های کارگری مصر، جیبوتی، یمن شمالی، اردن، سومالی، مغرب، تونس و اخیراً تا حدودی کویت و لیبی به جانب بلوک عراق متمایل شده‌اند. هر اس از جنبش کارگری در این کشورهای، از عواطف ملی است که آنها را به سمت حمایت از خط مشی پیشینهادی عراق سوق می‌دهد. زیرا رژیم عراق با "بیکار" جدید خود توانسته است تا میسر جنبش سندیکایی در کشورهای در دست گیرد.

در عراق تا سال پیش، کارگران تشکیل‌دهنده سراسری داشتند. این سالها مکان حرکت یکپارچه آنها علیه حکومت را فراهم می‌ساخت. رژیم عراق طی سال گذشته، به دلیل افزایش راضی کارگران از وضع کشور، اعلام کرده که همکاران بخش دولتی کارمند محسوب می‌شوند و لذا نمی‌توانند در اتحادیه کارگری عضویت داشته باشند. به این ترتیب کارگران بخش دولتی را که نیروی بزرگی بودند، از کارگران بخش خصوصی جدا کرد و اتحادیه کارگران عراق را عملاً دو قسم نمود. این امر چیزی جز انحلال سندیکاها نبود. در پی این مساله بسیاری از رهبران سندیکاها که کارگری که مترقی و صاحب نفوذ بودند، به دلیل آنکه در بخش دولتی کار می‌کردند، از فعالیت‌های خود در سندیکاها کنار گذاشته شدند. بنسبین ترتیب حتی اتحادیه حکومتی نیز تحلیل شد.

بلوک بندی مورد بحث در اتحادیه‌سراسری، به میزان زیاد در تحت تأثیر سیاست گیری سیاسی دولتها و تغییر تحولات سیاسی اوضاع منطقه و صف بندی‌های سیاسی ناشی از آن قرار دارد. اما همه مسائلی و اختلافات، به نوع نگرش دولتها به مسائل کارگری خلاصه نمی‌شود، بلکه تلاش برای کسب رهبری اتحادیه‌سراسری کارگران کشورهای عربی است - که یکی از مهم‌ترین و پرفرودترین تشکیلاتی است که سندیکاییان منطقه عربی است - از نظر سیاسی مساله بسیار مهمی است که عراق و سوریه و تعداد دیگری از کشورهای عربی بر سر آن رقابت می‌کنند.

رژیم عراق اخیراً در بغداد دفتریه به نام "دفتر سازمان کارگران عرب" ایجاد کرده است. این مرکز در واقع در رقابت با اتحادیه‌سراسری که مقصد آن فعلاً در دمشق است، تأسیس شده است. عربستان سعودی در تاسیس آن کمک‌های مالی و جبرانی کرده است و کشورهای کویت، یمن شمالی و بحرین با این دفتر همکاری دارند و خودشان نیز درصدد ایجاد مراکز در این منطقه در صورت درجست در کشورهایشان هستند. این به اصطلاح سازمان جدید، مواضعی فداکاری و ارتجاعی دارد.

در شورای مرکزی اتحادیه‌سراسری کارگران عرب، رسماً همه کشورهای، به استثنای مصر، عضویت دارند. نماینده عراق هم در شورای مرکزی حضور ندارد. این تشکل تنها اتحادیه بوده است که صاحب نفوذ بوده و کارایی دارد. کشورهای عضو اتحادیه هستند: یمن، اردن، عراق، لبنان، سوریه، عمان، ... سندیکاها حکومتی دارند و سندیکاها کارگری مستقل دارند.

افراد عموماً سروا بسته به نیروهای کمونیست و ترقی خواه که در اتحادیه‌های زود فعالیت می‌کنند، معمولاً از طریق این اتحادیه‌ها به دلایلی

شورای مرکزی اعزامی شوند. ما آنها را تشویق می‌کنیم که در دوران اتحادیه‌های زود، عملی و یا نیمه عملی داخل کشور خود، کار کنند. این به این مفهوم نیست که اتحادیه‌های دموکراتیک کارگران به حال خود رها می‌شوند.

چندی پیش، مرکز جدیدی تحت عنوان: کارکنون دفاع از اتحادیه‌های دموکراتیک و آزادی مبارزه کارگران، در پراگ ایجاد شد. این مرکز، فعالیت مستقل دارد. از مبارزه سندیکایی کارگران در کشورهای مختلف جهان دفاع و رژیم‌های ارتجاعی را به خاطر اعمال فسادکارگان رگزان و جلوگیری از فعالیت‌های صنعتی آنها، افشا می‌کند. برنا مهاجرت کارکنون برای سال آینده این است که با بدست‌آوردن اتحادیه‌ها حقوق مشخصی در نظر گرفته شود و این حقوق به صورت مدون در فدراسیون جهانی کارگران رسمیت یابد. این مرکز، نشریات و راهبردها را در اختیار مبارزه کارگران را انتشار می‌دهد. خواستهای مبارزه کارگران کشورهای مختلف را مطرح می‌کند و به کارگران، آموزش‌های مربوط به مبارزه سندیکایی می‌دهد. ما فهرست برنا مهاجرتی را (که به زبانهای انگلیسی، عربی، فرانسه، روسی و اسپانیولی بخش می‌شود) در همه کشورهای عربی منتشر کرده ایم و برای این کارکنون وسیع تبلیغ می‌کنیم و کارگران را متوجه آن می‌انجام می‌دهیم.

در نظر داریم سال آینده، جنبشی در دفاع از آزادی‌های سندیکایی در منطقه عربی برپا کنیم. مساله بسیار مهمی است که ما طی سالهای اخیر، همواره در حال دفاع بوده ایم، بر عکس ارتجاع و اسپریالیسم که همواره در اتحادیه‌ها بوده اند. ما علیه این وضع برخاسته ایم. سال آینده را سال جهش فضا رژیم‌های فسادکارگری، چه در جهان عرب و چه در سایر نقاط جهان قرار داده ایم. ما تصمیم داریم رابطه خود با سندیکاها را در کشورهای سرمایه دار را گسترش دهیم. هر چند این تشکل‌ها تحت تأثیر نفوذ سرمایه‌داران هستند، ولی مساله ما اینست که در این یک رشته از مسائل عمومی دموکراتیک با این سندیکاها در زمان مشترک با هم بی‌لوازه ما ملاقات پیدا می‌کنیم و با تشکیل کارگاه‌ها در سطح جهان، از جمله اتحادیه‌های جهانی، مصلحت‌پرستان، می‌توانیم و ... همکاری کنیم، از جوامع کشورهای مترقی آنها دفاع کنیم و این اتحادیه‌ها را به سمتی برنا مهاجرت آینده ما در رابطه با منطقه عربی

این است که همه نیروهای مترقی را برای مبارزه در راه آزادی‌های سندیکایی در جهان مترقی و شعارهای ما عبارتند از: قانون کار مترقی و ارتقا سطح فرهنگ و آگاهی سیاسی کارگران، مبارزه در نظر رژیم‌های فسادکارگران، کلاسیک و دوره‌های کوتاه مدت در رابطه با آموزش‌های سندیکایی تشکیل دهیم و ارتباطات خودمان را با سندیکاها و بلوک سوسیالیستی تقویت و تحکیم کنیم.

به عقیده ما مشخصات و ویژگی‌های منطقه عقب نشینی هستند. جنبش کارگری در جهان عربی و ردها و تشکل‌های حکومتی با سطح مطالبات آن انطباق ندارد و روز به روز نفوذ و اعتبار خود را بیشتر از دست می‌دهند. در کشورهای مختلف عربی وضعیت جنبش کارگری، بدین گونه است:

الجزایر - جنبش کارگری در الجزایر روز به روز نیرومندتر می‌شود و در مقابل حکومت می‌ایستد. وضع در الجزایر به گونه‌ای است که حکومت به هیچ وجه قادر نیست جلوی جنبش کارگری را بگیرد. جنبش سندیکایی در الجزایر قوی است و طبقه کارگر پیش‌تر از سایر نقاط رطب و بیابان در صحنه مبارزه حضور دارد.

سودان - سندیکاها را آه آن سودان که نقش مهمی در سرنگونی نمیری داشتند، فعلاً آن در صحنه مبارزه حضور دارند. پس از سرنگونی نمیری، جنبش کارگری قدرت و توان بیشتری یافته است و نقش زیادی در حفظ و احراز آزادی دموکراسی در کشور دارد. جنبش دموکراتیک در سودان از جنبش کارگری انرژی و نیرو می‌گیرد.

مصر - اکنون طبقه کارگر مصر، مستقلاً تشکیلاتی سندیکایی خویش را به طور ویژه و کاملاً ابتکاری ایجاد می‌کند. در کنار سندیکاها، حکومتی سندیکاها مستقل به طور موازی توسط کارگران ایجاد شده و توسط رژیم مبارک قدرتیست جلوی آن را بگیرد. طبقه کارگر مصر به نیروی جدی در تحولات کشور مبدل شده است.

تونس - در تونس، اتحادیه‌های کارگری با قدرت در مقابل رژیم بورژوازیستا ده‌دهند. جنبش کارگری که ملاحظه سیاسی داشته و دارد. این جنبش قدرت مند است. کارگران پیش‌تر جنبش داده‌ای حرکت می‌کنند. سطح مبارزات کارگران و قدرت سندیکاها در حدی است که گاه حتی رهبران میانه‌روی حکومتی آنها نیز مجبور به درگیری

با رژیم می‌شوند. می‌توان گفت یکی از دلایل مهم تغییرات لیبرالی اخیر در تونس (رکنا ری بورژوازی روی کار آمدن زین‌العابدین علی)، اوج گیری جنبش کارگری و تری آن بوده است.

کویت - در کویت جنبش کارگری وضع مناسبی دارد. اتحادیه کارگری کویت نسبتاً با استقلال و نفوذ خود را دارد. این اتحادیه به مناسبت‌های مختلف، تظاهرات و راهپیمایی‌ها می‌کند. برعکس از آمریکا، مثلاً هنگام حملات آمریکا به لیبی، اتحادیه تظاهرات بزرگی علیه آمریکا راه انداخت. متعاقب آن، رهبران اتحادیه توسط حکومت بازداشت و زندانی شدند. همچنین اخیراً اتحادیه کارگری کویت در رابطه با حضور آمریکا در خلیج فارس، فعالیت‌ها و حرکات اعتراضی گسترده‌ای را سازمان داد.

لیبی - حکومت برای کنترل و مهارت کارگران که عمدتاً در صنعت نفت مشغول هستند، تلاش می‌کند. زیرا به تا زگی در میان آنان نارضایتی نسبت به سیاست‌های حکومت وجود داشته است. سیاست کارگری رژیم لیبی، سیاستی است متناقض. مثلاً، قدا فی چند سال پیش بر اساس یک منشور، تولید، توزیع و مدیریت کارخانجات را به کارگران واگذار کرد. این حرکت که به هیچ وجه با سطح مبارزه طبقه کارگری لیبی انطباق نداشت، چندان موفق نبود. هر چند تبعات مثبتی داشت. اکنون حکومت لیبی درصدد است از شوراهای کارگری موجود، یک اتحادیه یا تشکل کارگری ایجاد کند و کمک آن را به یک حزب حکومتی مبدل سازد.

جمهوری دموکراتیک یمن - در یمن دموکراتیک البته وضع متناقض است. مسئولانترین برخورد را در رابطه با درگیری‌های درونی حزب سوسیالیست یمن در سال ۱۹۸۶، طبقه کارگری یمن داشت. کارگران یمن پس از ۱۳ ژانویه تا امروز با مسئولیت و دلسوزی تحسین برانگیزی، به کارهای زندگی مشغولند و جناح‌های حزب را به وحدت فرا می‌خوانند. اعتماد مردم به طبقه کارگری سندیکایی‌ها از حدی بیشتر از حزب سوسیالیست یمن است. نشریه اتحادیه کارگری یمن دموکراتیک بر نشریات اعتراضی است.

سوریه - در سوریه، حافظ اسد می‌کوشد، برای بیرون راندن رقبای خود از صحنه سیاست، پس از ارتش، بیشترین ارتقا را به کارگران دادند. با شد. اتحادیه کارگران سوریه عمدتاً زیر نفوذ حزب بعث است و فعالیت‌های آن، مواضع آن در اتحادیه‌سراسری کارگران کشورهای عربی، مثبت است. هر چند با گرایش‌ها تنگ نظرانه همراهِ است. کمونیست‌های سوریه در اتحادیه‌ها فعالیت می‌کنند. اکثریت نفوذ خود را نسبتاً با هم می‌کنند. محدودیت‌ها در کار آنها ایجاد می‌کنند و کارگران کمونیست را شدیداً تحت مراقبت و فشار قرار می‌دهند.

لبنان - در لبنان وضعیت ویژه‌ای حاکم است. احزاب و فرقه‌های سیاسی مذهبی گوناگون و مشکلات کشور، بر جنبش کارگری تأثیرات منفی را به جا گذاشته است. این امر وحدت و یکپارچگی کارگران را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اما علیرغم آن، جنبش کارگری در لبنان بیش می‌رود. مشکلات اقتصادی کشور، فشار سنگینی را بر طبقه کارگر وارد می‌کند. فعالیت‌های سندیکایی بخاطر امکان کار آزادانه آنها، خوب است. اتحادیه کارگری لبنان به طور عمده تحت نفوذ نیروهای ملی و مترقی کشور است. فرهنگ طبقه کارگر در لبنان نسبتاً بالاست و طبقه کارگر لبنان سیاسی و آگاه است. این امر از وضع ویژه لبنان و رشدیالیسم سرمایه‌دار در این کشور - نسبت به سایر کشورهای عربی - سرچشمه می‌گردد.

طبقه کارگر در جهان عرب به مناسبت‌ها عمل وحدت نیروهای ملی و مترقی، علیه ارتجاع اسپریالیسم پیش‌تر از پیش می‌تواند عمل کند. جنبش کارگری در وضعی است که به هیچ وجه دولتها قادر نیستند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. طبقه کارگر در کشورهای عربی، در مجموع، از واقع بینی و متانت قابل توجهی برخوردار است. این امر بر جنبش کارگری کمونیستی منطقه، تأثیر بسیار مثبتی دارد. فعالیت‌های صنعتی و سیاسی آن، به دلیل تجارب طولانی کار سازمان یافته، منسجم و صاحب شده است. این امر موجب می‌گردد که رژیم‌های ارتجاعی عرب به آسانی قادر نباشند، از فعالیت‌های تشکل سندیکایی طبقه کارگر جلوگیری کنند.

با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

اگر ترابز داشت کردند رفیق!

مخفی کردن دستگیری

یکی از نشانه‌های خنده‌تورین و در عین حال بی‌دستیگری بسیار انقلابی است. هدف ضمنی از این کار آن است که مکانات و سرپلای ارتباطی تصور سلایمتی فرد، طبق شرایط عادی و همیگی خود عمل نمایند و پلیس بنوا نند با عیاد فریبر ا هر چه بیشتر گسترش دهد. با زوجه معمولاً انقلابی است...

بازجویی (۳)

قراردادی جریان این دیدار را برای آن دونفر تعریف کردم، آنها به مدت عیسانی شدند و مرا رزش کردند که چرا خودم و سازمان را با استوگنه‌گاری رسی نسجیده به خطری بندازم و بعد از آنقا دات زبساد، قرار ی بهم دادند تا اگر با دیدگار رفیق را دیدم به او بدهم. کم‌کم دیگر آن رفیق را ندیدم...

در باره ای موارد، پس از اعمال شکنجه و مقاومت زندانی در برابر شکنجه، زندانی را با کسی که از هم‌درا رتبا ط بوده اند، روبرو می‌کنند. لحظه روبرویی اهمیت زیادی دارد.

در سواک خمینی، غالباً هنگام روبرو رویی چشم‌بند را از چشم "متم" با زخمی‌کنند. زیرا احتمال می‌دهند که آنها با اشارات یا حالات مختلف چهره، نکاتی را در دیدل کنند. قبل از روبرو کردن هم، با زوجه‌های را که فرد را دیده‌اند، آورد، دقیقاً تعیین می‌کنند و با کسی که حق ندارد در کلمه‌های اخافی بر زبان آورد. وظیفه کسی که برای روبرو شدن می‌آید، این است که مکانات با پیدا کردن تا کیداتی است که بتواند رفیق خود را از آنها آسب کند. این کار رسی حساس است. زیرا ممکن است که با زوجه‌های آنها را رفیق کند و روبرو شدن در عین حال وقتی که رفیق را با او روبرو می‌کنند و از زبان او سواک خمینی را می‌شنویم، همواره باید این امکان را در نظر بگیریم که ممکن است تنها یک صحنه‌ای با شویا زحسو آن رفیق را و از آن گروه باشد که حیات معنیسی را بگوید و این صحنه‌ای را برای رفیق با ویس احرای یک بلوف ترسید داده باشد.

زخمیان رژیم، در بسیاری موارد، چهره‌های معروف و شناخته شده را با لای سرتهم می‌آورند تا روجه‌ای را در هم بکنند. با آنکه نوار رویداد سوسوی مطا صه‌های احرای آنان را بخش می‌کنند، ممکن است که زیر شکنجه شدید فردی را که در شکنجه‌الات مسئولیت داده است، وادار کنند تا به منتم دستور سزامانی برای انقای اطلاعاتی بدهد.

جنبه محتما زیه‌ای فقط می‌تواند اسراد بی‌تحریر فریب دهد. این نکته را باید بیساد داشت که در کتا رصدا و هزاران هم‌زیمی که قهرمانا نه مقاومت کرده‌اند، همواره عناصری یافت می‌شوند که در هم شکسته‌اند. اینکه فردا فریاده بر لبین صا از چهره‌های سرتسا است، سواق صبا زریسانی طلسلولانی دارو یا مسئولین با لای یک جریان است و... هیچ یک نباید بر این حقیقت روشن است و باید بی‌گشنگانه و اکنون در جنگال پلیس اسیرا است و نه به اراده‌آزاد خود، که زیر شکنجه و حسیا نه به آخا آمده و فقط مجا ز به گفتن سخنانی است که سه پلیس به او دیکته کرده است. لذا توصیه است که فرادین زندانی در دست کشیدن از مقاومت در برابر پلیس، فاقد ارزش است.

تو سبن قریا نیا ن رژیمند که در برخی از بازجویی‌ها، شکنجه‌گران از آن به صتا به یک وسیله برای یکسب اطلاع یا آزار و اذیت سا برزندانیسیان استفاده می‌کنند. آنها ممکن است که برای اظهار شیا ت دروغ یا با یوش دوزی موردا استفاده قرار گیرند که قطعا با باظها را شان را به دلیل آنکه تو اوند، بی‌اعتبار را علم‌گرم دوه به هم ترسیسی، صا بیذ زبر یا با یوش دوزی‌های آنها رفت. برخی از آنها برای به اصطلاح نصیحت و انقاع منتم به کار گرفته می‌شوند و پلیس می‌کوشد با حضور آنها اثبات کند که همه دستگیر شده‌ها مثل آنها در هم شکسته‌اند. سوبوزن زمانی که در میان آنها یا مسئولین منتم، کسی ضعیف‌تر از آنها و یا تسلیم شده‌ها می‌شود، شکنجه‌گران از طریق اینگونه‌آشنا می‌کوشند که روحیه زندانی را تضعیف کنند. از تو سبن در سلول‌ها نیز، برای کثکوبی زندانی و به این ترتیب سب از زبانی از صحت گفتار و درجریان بازجوییسی، استفاده می‌شود. با آنکه دقت و تجربه می‌توان به

سرعت چنین عناصری را شناخت در عین حال این امکان همیشه وجود دارد که این با آن تو اب و ما مور پلیسی خود را خوب استنا رکنند و شناخته نشود. از این رو فرد تحت بازجویی، در سلول و بازداشتگاه ضمن در پیش گرفتن رفتار بی‌متین و روحیه دهنده و کم‌سنجیده به سایر اری تحت شکنجه، این را به عنوان یک اصل در نظر دارد که بیشتر از آنچه در اتاق شکنجه گفته، در سلول چیزی بپیرا مون پرونده خود بگوید.

ظا هرا چنین به نظری رسد که با زوجه می‌تواند شکنجه را تا بی‌نیاید اما مدهد، لکن عوا مصل گونا گونی حد شکنجه را محدود می‌کنند. با زوجه شما بل داد در که با حد اکثر شدت ممکن و بطور دانی تا کسب اطلاعات، شکنجه را ادامه دهد. ولی این کار ممکن است به مرگ زندانی منجر شود که در این صورت با زوجه، از هدف خویش بازمی‌اند. البته در بسیاری ۶۰ و ۶۱، عده کثیری از انقلابیون زیر شکنجه به شیا دت رسیده‌اند. این وحشیگری هر چند انکاسی از حیوان منقذی اشجا ده شتن آخونیدی است. ولی در عین حال نشانه‌ای از عقب‌ماندگی است. اینک سواک خمینی با درسی موزی از تار جرب گذشته، تلاش دارد تا مثل سایر روبرو رویی مرتجع‌ترین، آخرین و مدرن‌ترین شیوه‌ها را به کار ببرد. رژیم برای سرکوب نیروهای انقلابی، راه‌های کلاسیک و متجان شده‌ها را شناختن "سیا" راه‌های می‌گیرد. بی‌شود که از چنجه سال قبل بدین سواک، کمشنای نظیر "خا مدرک" که کارشان شناختار منتم در زیر شکنجه بود، رفته رفته از دور خارج شده‌اند و جای آنها را با زوجه‌های گرفته‌اند که شکنجه سیستماتیک و برنا مریزی شده با حصاب را با یگزین شیوه‌های بی‌صا و بی‌رویه عصر جالیت کرده‌اند. هر چند که سعیت و درنده‌خونی از جویان رژیم فقیها، هنوز هم به شیا دت عسده‌ای از انقلابیون اسیر در زیر شکنجه منجر می‌شود، اما به حال زنده نگاه‌دارنده منتم یکی از عوا مصل محدود کننده‌ها ز جود شکنجه برای شرایط سونوسی است. این عامل در جریان بازجویی به سواد منتم نیز عمل می‌کنند و زوجه را می‌آورد تا از ادامه شکنجه منتم سدجال صرف نظر کنند و او را برای مدتی به بیما رستان بفرستند.

رفتار زیر شکنجه اساسی‌ترین مسئله زیر شکنجه برای یک انقلابی حفظ روجه، حفظ اطلاعات، پاسداری از حیثیت انقلابیون و شکست دادن با زوجه است. هر او که شناسان انسان هنگام اعمال شکنجه با بدروا طه با چنین امری تنظیم شود. نکته مهم، تحمل شکنجه است. هر کسی برای تحمل بهتر شکنجه، به گونه‌های خویش رفتار می‌کند. مسئله مرکزی در تمام مراحل شکنجه این است که دشمن اطلاعات جدیدی را به دست نیآورد. زیر شکنجه هر طور که بهتر می‌شود اطلاعات را حفظ کرد، با بهما نظور عمل کسیرد.

مهم‌ترین صا س‌ترین مرحله بازجویی، چه برای مزدوران دشمن و چه برای انقلابی اسیر، مراحل اولیه بازجویی است. چرا که شکنجه‌گران و حسیا نه تلاش دارند در همان نخستین لحظه‌ها و روزها با شنا رهای فیزیکی و روانی، تعادل مبارز انقلابی را بر هم رزنند و در همان آقا ز به تسلیم وادار شدن. تا به این طریق اطلاعات مهم تشکیلاتی را که در سبک صا صه‌های منتم اگریستند پلیس نیافتد، سبلا استفاده می‌شود. "سوخته" می‌شود، هر چه سریع‌تر از او بگیرند. در این مرحله که تا کنون مورد بررسی قرار گرفت، معمولاً بازجویی بیشتر شکل شفاهی است و پلیس برای دریافت اطلاعات حصاب و کلییدی از تفصیل قرا رهای تشکیلاتی، آدرسا، صا زیه‌ها، روابط تشکیلاتی، مسئولیت‌ها و دستیا بی‌سبب افرا دمنین قنار متمركز و ا ردمی ورد، بی‌سروزی در این مرحله صا سنگ بنا می‌کشد برای بیروزی در مراحل آتی است. انقلابی اسیر که در این مرحله، با زوجه را طعم نکست آشنا کرد، راه موفقیت خود را در مراحل بعدی، گشوده است.

بسا زوجه‌های کتسیبی معمولاً این ا تمام مرحله اول و شکنجه‌های سنگین اولیه و در فرهای مخصوص وزارت اطلاعات" و گاه "اداستا نی انقلاب اسلامی" انجام می‌شود. نخستین سئوال‌ات ما مل مشامات حقیقی و سزامانی مثل نام، نام خانوادگی، نام پدر و... اساسی است. آخرین مسئولیت سزامانی، سبب آخرین رده تشکیلاتی... است. سئوال کلیسی عمومی سبب سبب از تفصیل از انقلاب تا لحظه دستگیری به طور مشروح و با ذکر جزئیات... راه هم در برابر همه قرار می‌دهند. سپس با توجه به نتایج بازجویی اولیه و پاسخ سئوال‌ات قبلی، سئوال‌اتی از قبیل: گروهی تشکیلات تحت مسئولیت، همرا ه‌ها از شرح آن، اطلاعات در زمینه مالی، تعداد کتسیبی (ا نشانات، ما شین، موتور، خانه یا سطحه)، چگونگی صا زیه‌ها، میزان کمک مالی به سازمان، میزان پول ماهیانه در یافتی از سازمان، موجودی سازمان در نزد منتم، میزان حق عضویت و کمیسسک مالی دریافتی در ماه، آدرس گروهی و گروهی مراکز حلسات

به مناسبت نهمین سالگرد انتشار

با انتشار این شماره، نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوب) نهمین سال فعالیت خود را به پایان می‌رساند. کار در سال گذشته نیز، ابزار اصلی تبلیغ و ترویج ایده‌های سازمان در زمینه مبارزه برای رها شدن از محاصره آرمای نیای طبقه کارگر و زمینداران ایران و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم بوده است. نشریه مرکزی سازمان، حتی در سخت‌ترین شرایط استبداد خویشا ر حکومت فاشیست، با دقت و با جدیت فدائیان پیشگام را گویا نشان داد، به دست مبارزان رسیده و بیام آور آگاهی و شوریدگی پیروزی رزم انقلابی توده‌ها بوده است. "کار" امروز هم علی‌رغم محاصره و سرکوب حیوانی رژیم، توسط واحدهای سازمانی پخش می‌شود. در سالروز انتشار "کار"، باید دیگر تلاش و فعالیت فدائی را بیابیم، اما در ایران را - که به برچسب‌ها زمان خویش را در دستهای پرستان خود درآهنز کرده اند - می‌بینیم. در حالی که در آن سال پیش برای سازمان ما، سال تمامش در راه جبران فریب‌های رژیم صفا فداشده، تدارک تداوم فعالیت انقلابی در داخل کشور و تدارک مبرم موثر تریداتیان خلق در صفوف مبارزان زحمتکشان ایران بود. در راستای چنین هدفی، "کار" نیز کوشیده که نقش سازمان‌نگارانه خویش را تقویت نماید. "نه تنها مبلغ و مروج جمعیتی، بلکه سازمان‌گر جمعی" نیز باشد. به این ترتیب در کنار انفعالی سیاست، موضع‌گیری‌ها، خط مشی، تمامیه و اقدامات سازمان ما، فعالیت‌ها و مبارزات سازمانی، تجارب مبارزه با پلیس سیاسی، مبارزه با سازمان‌نگارانه در میان کارگران و زحمتکشان و رهنمودهای تشکیلاتی به نیروهای سازمان، در مقابل با گذشته وزن بیشتری داشته است. **در سالروز انتشار "کار" و برای تحکیم هر چه بیشتر حضور و فعالیت فدائیان در مبارزه خلق ایران برای طرح آزادی و سرنگونی رژیم خمینی، همگامی اعضا و هواداران سازمان باید که:**

- با حفظ نظم و پیگیری "کار"، به مواضع و سیاست‌های سازمان هر چه بیشتر تبعیت شوند و در جهت تبلیغ ایده‌ها و اجرای رهنمودهای رهبری سازمان فعالیت خود را تشدید کنند. اکنون، به ویژه در شرایط سرکوب و اختناق رژیم خمینی، باید بیش از گذشته به رهنمودهای نشریه سرسازمان سازمان در پیش‌گامی‌ها، تلاش می‌شود که در هر شرایطی، انگکس سیاسی دقیق آخرین مواضع و رهنمودهای رهبری سازمان باشد و جمع‌بندی آخرین تجارب فدائیان در زرد سراسر

کشور، در نبرد علیه پلیس سیاسی، کار سازمان‌نگارانه توده‌ای و تبلیغ و ترویج انقلابی را عرضه کنند.

"کار" را به دست مردم، به ویژه کارگران و زحمتکشان برسانند. واحدهای هوادار که نشریه را مستقیماً دریافت نمی‌کنند، بگویند که نشریه در برده دستشان می‌رسد. می‌توانند علامه‌های کمیته مرکزی و مقالات مهم تبلیغی کار را، که از راه دیسی و زحمتکشان ایران نیز پخش می‌شود، ضبط و سپس تکثیر کنند.

"کار" را با برخورد خلق و انتقادی و ارسال نظرات و پیشنهادها سازنده خود، غنی‌تر سازند. "کار" در تنگنا در ارتباط متقابل با خوانندگان خود می‌تواند وظایف خطیری را که بر عهده دارد، به نحو بهتری به انجام برساند.

هر چه فعالیت فدائیان گسترده‌تر و همگامی بیشتر باشد، اعلان جنگ ما به ارتجاع خمینی، اهمیت منطقی بیشتری کسب می‌کند. سیاست ما تا فزونی می‌شود و از اعتبار معنوی بیشتری در میان توده‌ها برخوردار می‌گردد. هر چه درگاه اطلاعات و اخبار ما برای تحلیل روندهای جاری کشور، کامل‌تر و دقیق‌تر باشد، اطمینان به صحت ارزیابی‌های ما بیشتر خواهد بود. هر قدر که تضارب مزاجی منسک در "کار"، غنی‌تر و همه‌جانبه‌تر باشد، واحدهای سازمانی ما از کیفیت بالاتری در فعالیت انقلابی خویش برخوردار خواهند شد. لذا ضرورت تمام دارد که فدائیان خلق در سراسر کشور و دستورات سازمان، با رعایت کامل مقررات امنیتی و دستورالعمل سازمانی در این زمینه، "کار" را در جریان اخبار و رویدادهای کشور قرار دهند. گزارش‌های منسک محیط‌های گوناگون اجتماعی، مشکلات و مبارزات فاشیستیک و مختلف مردم، اعتراضات و اعتراضات زندانها، آزادی‌گشی‌های رژیم‌خوندها و مسائل درون حکومت فاشیستی، از جمله مطالبی است که تهیه و ارسال می‌شود. اگر ان کارگزاران مرکزی سازمان ما را در انجام وظایف انقلابی‌شان توانا تر خواهد کرد. همه مطالب - حتی اگر مستقیماً در صفحات نشریه منعکس نشوند - مورد استفاده موثر رهبری سازمان قرار خواهند گرفت.

"کار" در فتن مبارزه فدائیان خلق، هر چه بکار بر طیف کارگزاران در راه صلح، دموکراسی، استقلال و سوسیالیسم است. این در فتن را با بدست‌ها مبنی بر توان و آزادسازی زندگان و آزادی سلاجی مختلف با فتنه تروریست‌ها و ارتجاع علیه و ترویج ایده‌های دوران سازمان را کسب-تنبیسیسم و به هر چه از غیر تزییواری بسج و آزادگری طبقه کارگر و همه اقشار خلق در مبارزه برای طرح آزادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدل ساخت.

میخائیل گارباچف رهبر شوروی در اواسط ماه گذشته، طی اعلامیه مهمی مواضع دولت اتحاد شوروی در رابطه با حل مسئله افغانستان و موافقت با زکشت‌قوای شوروی از آن کشور را اعلام کرد. اعلامیه که در مرکز توجه محافل اجتماعی سراسر جهان قرار گرفته است، به ویژه از این لحاظ از اهمیت است که در حال حاضر زمینه لازم برای حل مسئله جنگ خونین چندین ساله داخلی در این منطقه، در حال فراهم شدن است. در اعلامیه ضمن اشاره به مذاکرات نوبتی قریب‌الوقوع میان افغانستان و پاکستان، در زونکوه بوسیله نماینده شخصی دبیرکل سازمان ملل متحد، هدایت می‌شود. آمده است:

... تقریباً تمام سادگی شوروی از مختلف حل و فصل مسئله را در بر می‌گیرند. به‌این‌تصورت، ما از جمله: موافقت با مذاکرات میان پاکستان و به عدم مداخله در امور دیگر، موافقت با مبارزه با زکشت‌قوای افغانستان، از پاکستان، وضعیت بیابان‌های خالی در افغانستان، از جمله محاصره در افغانستان، موافقت با همه عناصر صلح و فصل سیاسی و موافقت با همه برای ایجاد دستگاه کنترل... در این اعلامیه موده فراخوانده شده است. به این ترتیب، در افغانستان که ۱۵ مه ۱۹۸۸ ذکر شده است، منوط به این که مذاکرات آینده زونکوه ۱۵ ماهه را پس از حل جاری به سرانجام برسد. در این صورت نیروهای شوروی طی مدت ۱۵ ماه به میهن بازخواهند گشت.

میخائیل گارباچف در رابطه با این مسئله که آیا پس از خروج نیروهای شوروی از خاک افغانستان درگیری‌های مسلحانه در آن کشور، شدت بیشتری نمی‌یابد، تصریح کرده است که، تعددات زونکوه و همکاری‌های خارج برای کسانی که به راه خود پنداری دارند، را راه خود را به ملت افغان تحمیل نمی‌کند. بی‌شک، هرگاه نیروی بی‌پایان، آنگاه می‌توان فکری کرد که چگونه از مکانات سازمان ملل متحد، در این باره استفاده عمل آید. در قسمت پایانی اعلامیه آمده است: "... هر گاه که در افغانستان کشودن شود، این امر در دیگر مناطق منطقه هم تا رسیدن به نتیجه خواهد بود گذاشت. مساعده تبلیغاتی که ما بسیار باید به آن را متوقف سازیم و با همه نگرانی‌ها تا رسیدن آید، بدون تا بخردا به شریعت به سوی برتگله است. اما مناقشات منطقه‌ای، حراتی است که از آنها خون می‌چکد... زمین از زخم‌های جنین کاشن‌ها، از خزنایک و قعا بریده است. هر کس در این میان، نه تنها دردهای ملت‌ها می‌کشد، با این مسئله مستقیماً آن‌ها را نیز درگیر می‌کند. خواه بلکه در دهگان است. خواه در افغانستان، خواه در خارج و میانه‌های در رابطه با جنگ ایران و عراق، در جنوب شرقی، کامیوچ و با در امریکا، مرکز، چه کسی از این مناقشات سود می‌برد؟ هیچکس سبب تا حراتی و سلاح و انواع و اقسام محافل مرجع کسه عادت دارند از تبلیغاتی و تبلیغ مردم نفی بپردازند. به سرانجام رسیدن مسئله افغانستان، بخش مهمی در زنجیر مناقشات منطقه‌ای خواهد بود. اعلامیه میخائیل گارباچف، مورد استقبال نیروهای صلح‌دوست جهان که نگران اوضاع افغانستان هستند قرار گرفت و در مطبوعات جهان از جمله مطبوعات غربی با زتاب مثبتی پیدا کرد. کاج شمشاد بر فراخورد خویش بیانا نه‌ای نسبت بهسه آن برآز کرده است. وزیرخارج انگلیس، آن را بسیار مهم‌وراهنگی مذاکرات آینده افغانستان و پاکستان دانست.

همزمان با انتشار اعلامیه زاجات اتحاد شوروی، "نجیب‌الله" رئیس‌جمهور افغانستان نیز اعلامیه‌ای انتشار داد که در آن با ردیگری سیاست واقتیم‌های موجودو انعطاف‌های فرور، برتشکیلات دولت ائتلافی با اپوزیسیون تاکید کرده است. رئیس‌جمهور افغانستان در بیانیه خود، تاکید کرد که "ما لحه ملی و یجادجین حکومتی، ما لکه ما ملل داخلی افغانستان است و آن را باید خودافغانها حل کنند." نجیب‌الله بر سیستم جدیدی در کشور که بیانشگرمنافع لایه‌های مختلف اجتماعی افغانستان امروز است صحه گذاشت.

بسیارها به رهبران شوروی و افغانستان که بیانشگرمنافع‌ترین سیاسی و نگارش جدید ما لکه آن می‌باشد، حل مسئله افغانستان را در گرو اتخاذ رویهای مسئولانه از جانب کلیه نیروها و کشورهای ذیربط می‌دانند.

قیام فلسطین نیرو می‌گیرد

نزدیک به سه ماه است که تظاهرات و اعتراضات همگانی مردم فلسطین در نوار غزه، سواحل غربی رود اردن و دیگر مناطق اشغالی فلسطین ادامه پیدا کرده است. اکنون، به ویژه در شرایط سرکوب و اختناق رژیم صفا فداشده، تدارک تداوم فعالیت انقلابی در داخل کشور و تدارک مبرم موثر تریداتیان خلق در صفوف مبارزان زحمتکشان ایران بود. در راستای چنین هدفی، "کار" نیز کوشیده که نقش سازمان‌نگارانه خویش را تقویت نماید. "نه تنها مبلغ و مروج جمعیتی، بلکه سازمان‌گر جمعی" نیز باشد. به این ترتیب در کنار انفعالی سیاست، موضع‌گیری‌ها، خط مشی، تمامیه و اقدامات سازمانی، تجارب مبارزه با پلیس سیاسی، مبارزه با سازمان‌نگارانه در میان کارگران و زحمتکشان و رهنمودهای تشکیلاتی به نیروهای سازمان، در مقابل با گذشته وزن بیشتری داشته است. **در سالروز انتشار "کار" و برای تحکیم هر چه بیشتر حضور و فعالیت فدائیان در مبارزه خلق ایران برای طرح آزادی و سرنگونی رژیم خمینی، همگامی اعضا و هواداران سازمان باید که:**

- با حفظ نظم و پیگیری "کار"، به مواضع و سیاست‌های سازمان هر چه بیشتر تبعیت شوند و در جهت تبلیغ ایده‌ها و اجرای رهنمودهای رهبری سازمان فعالیت خود را تشدید کنند. اکنون، به ویژه در شرایط سرکوب و اختناق رژیم خمینی، باید بیش از گذشته به رهنمودهای نشریه سرسازمان سازمان در پیش‌گامی‌ها، تلاش می‌شود که در هر شرایطی، انگکس سیاسی دقیق آخرین مواضع و رهنمودهای رهبری سازمان باشد و جمع‌بندی آخرین تجارب فدائیان در زرد سراسر

آدرس: P1-10 1091 WIEH AUSTRIA

حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN 84WAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTHNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی